

به نام خداوند جان و خرد

بابک فرم دین چه کسی بود؟

گردآورنده:

آرزو خسروپور



سرشناسه: خسروپور، آرزو، ۱۳۵۶ -، گردآورنده.
عنوان و نام پدیدآور: بابک خرم‌دین چه کسی بود؟/گردآورنده آرزو خسروپور.
مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۵۲ ص:؛ مصور. ۲۱×۲۱سم.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۱۷۴-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۲-۵۰.
موضوع: بابک خرم‌دین، - ۲۲۳ق.
موضوع: ایران -- تاریخ -- حکومت اعراب و جنبشهای ملی، تا ۲۰۵ق.
موضوع: Iran -- History -- Azali conquest and national movements, to 8th century
رده‌بندی کنگره: DSR ۵۶۲
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۴۲۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۷۲۱۶۹



«بابک خرم‌دین چه کسی بود؟»

● گردآورنده: آرزو خسروپور

- ناشر: انتشارات طاهریان ● نوبت چاپ: دوم ● سال چاپ: ۱۴۰۲ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد
- قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان ● تایپ، صفحه‌بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور ● چاپ: شهر
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۱۷۴-۴ ● شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۱۷۵-۱

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱
تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com

با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۱۰۰۰۷۰۸۷ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

مقدمه

بابک خرم‌دین (مرگ ۶ صفر ۲۲۳ قمری/۷ ژانویه ۸۳۸ میلادی/۱۷ دی ۲۱۶ خورشیدی) رهبر اصلی مبارزان ایرانی خرم‌دین بود که پس از مرگ ابومسلم بر خلافت عباسی شوریدند. خرم‌دینان مرگ ابومسلم را انکار کرده و معتقد بودند که ابومسلم باز خواهد گشت تا عدالت را در جهان برقرار نماید. در دوران خلافت عباسیان آذربایجان کانون شورش طولانی‌مدت و خطرناک علیه خلافت بود که توسط بابک خرم‌دین رهبری می‌شده‌است و بر شمال غرب ایران تأثیر گذاشته و بیش از ۲۰ سال - از ۲۰۱ هـ/ق ۸۱۶ م تا ۲۲۲ هـ/ق ۸۳۷ م - طول کشید. از نگاه باسورث این شورش قطعاً پایه‌های دینی داشته ولی ممکن است که پایه‌های سیاسی-اجتماعی نیز داشته باشد. شورش او به روشنی از حس ضد عربی ایرانیان در آذربایجان بهره می‌برده‌است. تعداد نیروهای لشکر بابک را در ابوالمعالی ۱۰۰ هزار نفر، در تنبیه الاشراف مسعودی ۲۰۰ هزار نفر، در تاریخ بغدادی ۳۰۰ هزار نفر یا بیشمارو در تبصره العوام بیشمار ذکر کرده‌اند که بی شک مبالغه آمیز است ولی حداقل دلالت بر بزرگ بودن آن دارد.

او زندگی گمنامی در آذربایجان داشت تا اینکه مورد توجه جاویدان بن سهل، رهبر خرمی‌ها-که مدت کوتاهی بعد درگذشت- قرار گرفت. بابک ادعا کرد که روح جاویدان در کالبد او وارد شده و تحریک ساکنین بذر را آغاز کرد. او قدرت جدیدی به جنبش دینی-اجتماعی که ریشه در مذهب مزدک داشت، بخشید و از روش‌های خشونت‌آمیز و یژه‌ای بهره گرفت. به نظر می‌رسد که قیام او از ۲۰۱ هـ/ق ۸۱۶ م آغاز و با نقشه حاتم پسر هرثمه، یاری شده بود و

با مشکلات مختلفی در استان‌های شرقی که به دنبال آن مأمون به بغداد بازگشت، آسان گشته بود.

در ۲۰۴ هـ/ق / ۸۱۹-۸۲۰ م مأمون، یحیی بن معاذ را به سوی بابک فرستاد که با درگیری بی‌نتیجه در موقعیت‌های مختلف جنگی همراه بود؛ همان‌طور که تلاش دیگر فرماندهان خلافت، شانس بهتری نداشتند. در پایان خلافت مأمون شورش تا جبال هم کشیده شد، که این باعث نخستین نگرانی خلیفه معتصم گردید و باعث شد تا او شورش این ناحیه را ریشه کن کند. در ۲۲۰ هـ/ق / ۸۳۵ م معتصم، افشین را مأمور سرکوب بابک کرد. این فرمانده قلعه‌های جاده بزد را که بابک ویران کرده بود را تعمیر کرد و علی‌رغم شکست بغای کبیر در هشتادسر، توانست طرخان، یکی از فرماندهان شورشی را غافلگیر کند. سپس با نیروهای تحت فرماندهی جعفر خیاط و داوطلبان ابودلف تجدید قوا کرد و در ۲۲۲ هـ/ق / ۸۳۷ م اردوگاهی را تحت حفاظت دیده‌بان‌ها برپا کرد. (چرا که مکرراً از بزد مورد هجوم واقع شده بود) بعد از حمله ناموفق داوطلبان، بزد در ۹ رمضان ۲۲۲ هـ/ق / ۱۵ اوت ۸۳۷ م توسط نیروهای فرغانه‌ای فتح و غارت شد. بابک فرار کرد ولی توسط سهل بن سنباط - که به او پناه داده بود، دستگیر شد و به افشین تحویل داده شد. او به سامرا فرستاده شد و در ۳ صفر ۲۲۳ / ۴ ژانویه ۸۳۸ به سامرا رسید. معتصم او را سوار بر فیل به معرض نمایش گذاشت و نخست دست‌هایش را قطع کردند و سپس او را اعدام کردند. جنازه او بر چوبه دارش باقی ماند و منجر شد تا نامش به این منطقه شهر اطلاق گردد.

دستگیری و اعدام بابک پایان جنبش خرم‌دینان نبوده و آن‌ها ادامه حیات دادند تا مدرکی گواه بر حیاتشان در قرن ۳ هـ/ق / ۹ م باشند. داوطلبان شورش گذشته، که خود را بابکیه نام نهادند، در بزد تا قرن ۵ هـ/ق / ۱۱ م ادامه حیات دادند و به انتظار او ماندند و آئین خاصی انجام می‌دادند.

بابک خرم دین چه کسی بود؟

نام و تبار و طول زندگانی بابک

بابک در آذربایجان متولد شد. بی‌گمان او از ایرانیان بوده است. ابن حزم، مورخ عرب‌تبار، نویسد: «ایرانیان از نظر وسعت و ممالک و فزونی نیرو بر همه ملت‌ها برتری داشتند، و خود را برترین ذات بشری می‌دانستند و خود را آزادگان نام نهاده و اقوام دیگر را بندگان می‌شمردند. چون دولتشان برافتاد و عرب که نزد آنها دین‌پایه‌ترین قوم جهان بود بر آنها مستولی گردید این امر بر آنها گران آمد و خود به مصیبت تحمل نشدنی روبرو یافتند، و بر آن شدند که با راه‌های مختلف به جنگ اسلام برخیزند؛ ولی هربار خدای تعالی حق را نصرت داد. از جمله رهبران آنان (= ایرانیان) سنباد، مقنع، استادسیس، بابک و دیگران بودند.»¹ زبان مادری او نیز پهلوی آذری یعنی همان زبان باستانی آذربایجان پیش از ترکی بوده است. وارتان، مورخ ارمنی، در حوادث سال ۸۲۶ میلادی و ۲۱۱ قمری می‌نویسد: «درین روزها مردی از نژاد ایرانی به نام باب که از بغتات (بغداد) بیرون آمده بود بسیاری از نژاد اسماعیل (ارمنیان در آن زمان به تازیان اسماعیلی و از اسماعیلی‌نژاد می‌گفتند) را به شمشیر از میان برد و بسیاری از ایشان را برده کرد و خود را جاودان می‌دانست. در جنگی که با اسماعیلیان کرد به یکبار سی هزار تن را نابود کرد. اگغارخونی آمد و خرد و بزرگ را با

1 علی بهرامیان. «بابک خرم دین». دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

شمشیر از میان برد. مأمون هفت سال در سرزمین یونانیان (خاک روم) بود و دژ ناگرفتنی لولوا را گرفت و به *ببین النهرین* بازگشت^۱ نام بابک معرب نام ایرانی «پاپک» است.^۲ به گفته مایکل هیش (آذربایجان‌شناس آلمانی)، نام بابا نخست در زبان *فارسی نو* (فارسی دری یا فارسی امروزی) به کار رفته، سپس وارد زبان‌های دیگر (از جمله ترکی آذربایجان) گشته است. حتی کلمه چینی 爸爸 به معنی بابا، در ادبیات کلاسیک چینی غایب است. آغازین‌ترین مثال این دانشمند برای ادعایش، بابک خرم‌دین (درگذشت ۸۳۸ میلادی) است.^۳

در تمامی منابع نام بابک یافت می‌شود، اما *مسعودی* نام او را حسن ذکر کرده است.^۴ مورخین ارمنی بابک خرم‌دین را گاهی «باب»، گاهی «بابن» و گاهی «بابک» ضبط کرده‌اند.^۵ بنابر برخی روایات پدر بابک مرد مسلمانی بود به نام عبدالله یا عامر بن عبدالله یا عامر بن احد از شهر *مدائن* که روغن فروشی می‌کرد^۶؛ و مادرش زنی تک چشم بود که «ماهرو» نام داشت و از

^۱ نفیسی، سعید، بابک خرم‌دین، صص ۱۱۷-۱۱۶.

^۲ SOURDEL, D (1986). "BĀBAK". *Encyclopaedia of Islam*. ۱ (2nd ed.). Leiden: E. J. Brill. p. ۸۴۴. ISBN 90-04-08114-3

^۳ Yūsofi, Ġ-H̄ (2000). "BĀBAK ḲORRAMI". *Encyclopædia Iranica*.

^۴ Yūsofi, Ġ-H̄ (2000). "BĀBAK ḲORRAMI". *Encyclopædia Iranica*. ۳. Bibliotheca Persica Press. p. ۲۹۹-۳۰۶. ISBN 0-933273-51-7.

^۵ تهران: بابک خرم‌دین، ویراستار جریزه‌دار، عبدالحسین (۱۳۸۴) نفیسی، سعید

X-۳۲۸-۳۳۱-۹۶۴ شابک. انتشارات اساطیر

^۶ Crone, Patricia (2012). *The Nativist Prophets of Early Islamic Iran*. Cambridge: cambridge university press. ISBN 978-1-107-01879-2

اهالی **آذربایجان** بود.¹ نام اصلی که بر بابک (در دوران تولد) گذاشته شده بود، حسن بود؛ و برادران بابک، عبدالله و معاویه (به گزارش طبری) و اسحاق (در فرق بین الفرق بغدادی) بودند که نشان می‌دهد که نام‌های آن‌ها اسلامی بود.² به اعتقاد کرون، حسن هنگام ورود به دژ بڈ، نام بابک را بر خود برگزید. چرا که بابک یا پاپک به معنی پدر است و نام **نیای ساسانیان** نیز بوده است.³

تبار و **طبقه اجتماعی** بابک مبهم و متناقض، گاهی شگفت‌انگیز و باورنکردنی است. **واقدی و طبری** بابک را فردی از طبقه پائین جامعه معرفی می‌کنند ولی جواب بابک به نامه پسرش (بعد از فرار) و کلماتی که عبدالله، برادر بابک به ابن شروین طبری - کسی که او را به بغداد منتقل کرده - گفته است، نشان می‌دهد که بابک اشراف‌زاده بوده است.⁴ به عقیده **زرین کوب**، مجرد نام بابک، جاویدان و شهرک نیز به رغم آنچه روایات دشمنان قوم القاء می‌کنند این تصور را که رهبران نهضت منحصرأ از طبقات بی‌مایه و پست یا از طایفه‌های غیر ایرانی بوده‌اند، چندان پذیرفتنی نمی‌دهد.⁵

¹ یوسفی زیبارو (ماهری) بودن مادر بابک توأم با تک چشم را بودنش مضحک می‌داند. (ایرانیکا، ذیل «بابک خرمی»)

² Crone, Patricia (2012). *The Nativist Prophets of Early Islamic Iran*. Cambridge: cambridge university press. ISBN 978-1-107-01879-2

³ بهرامیان، علی (۱۳۸۱). «بابک خرم‌دین». *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. ۱۱. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی. ص ۲۳-۲۶.

⁴ Yūsofī, Ġ-Ĥ (2000). "BĀBAK ḲORRAMI". *Encyclopædia Iranica*. ۳. Bibliotheca Persica Press. p. ۲۹۹-۳۰۶. ISBN 0-933273-51-7.

⁵ زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران. 67-68: 2

به عقیده بهرامیان، بابک به زبان آنری باستان سخن می‌گفته است.^۱ بهرامیان معتقد است، در منابع موجود، روایتی که بتوان با توجه بدان سالزاد بابک را تعیین یا تحدید کرد، وجود ندارد. اما سعید نفیسی تخمین می‌زند، با توجه به اینکه از سال ۲۰۱ تا ۲۲۳ هجری قمری مشغول درگیری با نیروهای خلیفه بوده و اگر سن بابک در زمان شروع قیامش را ۲۰ سال در نظر بگیریم، بایستی ۴۲ سال زیسته باشد.^۲

تولد و جوانی

به گفته واقدی عبدالله پدر بابک روغن فروش دوره‌گردی بود آرامی نژاد^۳ که زادگاهش مدائن را به قصد مرز آذربایجان ترک کرده بود و در روستای بلال آباد در استان میمذ در مجاورت کوه سبلان و اردبیل ساکن شده بود.^۴ پدر بابک بعد از تولد بابک در سفری که به ناحیه سبلان در اردبیل داشت زخمی شد و از دنیا رفت. همسر بیوه‌اش برای کار دایگی بچه‌های مردم را به عهده گرفته بود در حالی که بابک تا ۱۲ سالگی گاوچرانی می‌کرد. به ما گفته شده که «روزی مادر بابک بیرون رفت و در پی پسر می‌گشت. بابک در آن زمان گاوهای مردم را به چراگاهی می‌برد.

^۱ بهرامیان، علی (۱۳۸۱). «بابک خرم‌دین». *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. ۱۱. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ص. ۲۳-۲۶.

^۲ نفیسی، سعید (۱۳۸۴). (جربزه‌دار، عبدالحسین، ویراستار. بابک خرم‌دین، تهران: انتشارات اساطیر، شابک ۳۲۸-۳۳۱-۳۹۶۴-X).

^۳ *The Nativist Prophets of Early Islamic Iran*, p 48

^۴ بابک خرم‌دین نماد ایران دوستی یا دستاویز ایران ستیزی (بابک در نزدیکی کوه سبلان و در روستای بلال آباد در حومه اردبیل به دنیا آمد) خبرگزاری تابناک رسمی جمهوری اسلامی ایران.

مادر، وی را در زیر درختی یافت که خفته و برهنه بود و از بن هر مویی از سینه و سر وی خون می‌تراوید. چون بابک از خواب برآمد دیگر اثری از خون ندید، دانست که دیری برنخواهد آمد که کار پسر بالا گیرد». **زرین کوب** این روایت را هم تراز افسانه دانیال و بخت‌النصر دانسته و آن را جعل دشمنان بابک می‌داند.^۱ **واقعی** اضافه می‌کند که بابک در دوران جوانی‌اش به عنوان خدمتکار و تیمارگر اسب برای شبل بن منقی در روستای **سراب** کار می‌کرد و **تنبور** زدن را یادگرفت. این (مطلب) باید منبع گزارش **ابوالمعالی** باشد که آورده‌است بابک **تنبور** می‌زد و آواز می‌خواند درحالی که در روستا میوه‌فروشی می‌کرد. وقتی او بزرگ شد به **تبریز** رفت و ۲ سال را صرف خدمت به محمد بن رواد ازدی کرد و سپس در ۱۸ سالگی به خانه‌اش در **بلال‌آباد** بازگشت.^۲

دو مرد ثروتمند به نام جاویدان بن شهرک و ابو‌عمران در بلندی‌های اطراف کوهستان **بند** زندگی می‌کردند و برای رهبری خرم‌دینان ساکن در آن مناطق مرتفع می‌جنگیدند. جاویدان وقتی در مسیر زنجان به **بند** در برف گیر کرد به دنبال سرپناهی در **بلال‌آباد** گشت و به خانه مادر بابک رفت. به دلیل فقر مادر بابک فقط برایشان آتش روشن کرد در حالی که بابک به اسب‌ها و نوکرهای جاویدان رسیدگی می‌کرد و برایشان آب آورد. جاویدان بابک را برای خرید غذا، شراب و علوفه فرستاد و وقتی بابک برگشت و با جاویدان سخن گفت، جاویدان تحت تأثیر زیرکی‌اش (علی‌رغم

^۱ **زرین‌کوب**، دو قرن سکوت، ۲۱۵-۲۱۷.

^۲ **Yūsofi, Ġ-Ḥ (2000). "BĀBAK ḲORRAMI". Encyclopædia Iranica. ۳. Bibliotheca Persica Press. p. ۲۹۹-۳۰۶. ISBN 0-933273-51-7.**

لکنت زبان‌اش) قرار گرفت. بعد از آن جاویدان از مادر بابک اجازه خواست تا بابک را برای مدیریت زمین‌های کشاورزی و دارائی‌هایش با خود ببرد و پیشنهاد کرد که در عوض ۵۰ درهم ماهانه به عنوان حقوق بابک برای او بفرستد. مادر بابک پذیرفت و اجازه داد بابک برود. از آن موقع است که بابک به خرم‌دینان ملحق شده‌است.¹

بعد از ورود بابک به خدمتگزاری جاویدان، رقیبش ابو‌عمران از بیرون از قلمروی جاویدان به او شیبخون زد و شکست خورد و کشته شد؛ ولی جاویدان سه روز پس از آن بر اثر جراحت وارد شده از دنیا رفت. زن جاویدان خبر مرگ شوهرش را به بابک داد و اضافه کرد که خبر را فردا در جامعه منتشر خواهد کرد؛ و همچنین بابک را به عنوان جانشین جاویدان معرفی خواهد کرد و کسی که دین مزدک را برمی‌گرداند و جامعه را به سوی پیروزی و موفقیت رهبری می‌کند. در روز بعد، بابک قبل از پیروان و جنگجویان جاویدان ظاهر شد. آن‌ها پرسیدند «چرا جاویدان آنها را قبل از به زبان راندن وصیت‌نامه خبر نکرده‌است»، همسرش جواب داد «چون شما در مکان‌های مختلف بودید، انتشار پیام منجر به پخش شدن خبر می‌شد که امنیت شما را به خطر می‌انداخت». بعد از بدست آوردن فرمانبرداری آن‌ها به دستورالعمل جاویدان، همسرش گفت بر طبق وصیت شب قبل از مرگ روحش از جسمش خارج شده و به جسم بابک درآمده و با روح بابک درآمیخته‌است و هرکسی که این وصیت را زیر سؤال ببرد تکفیر خواهد شد. تمام کسانی که حاضر بودند، فرمان جاویدان را قبول کردند و

1 Yūsufi, Ġ-Ĥ (2000). "BĀBAK KÖRRAMI". *Encyclopædia Iranica*. ۳. *Bibliotheca Persica Press*. p. ۲۹۹-۳۰۶.